بسم الله الرحمن الرحیم

یکشنبه 9/3/1400-19شوال 1442- 30مه 2021-درس 357و358فقه الاداره – فقه النظارة- نظارت بر برنامه – احکام نظارت – نظارت استصوابی ( نظارت موثر) –فقه الحدیث

جمع بندی فقه القرآن و الحدیث

با توجه به این که نظارت نوعی قضاوت است باید موثر باشد یعنی باید استصوابی باشد یعنی به تصویب و صوابدید منتهی شود یعنی رای تهایی به صواب صادر شود از سوی ناظر نظار تهای استرجاعی و استطلاعی نظارت موثر و تامو صحیح محسوب نمیشوند بلکه ابتر و ناقص هستند لذا آیات و اخبار مناسب با این فرهنگ را مستند و جوب این نوع نظارت استصوابی قرار دادیم .

فقه العقل

نظارت غیر استصوابی یا نظارت ناتمام، نافع و دارای مصلحت نیست بلکه دارای مضرت است و واجب الاجتناب می باشد

فقه السیره

سیره متشرعه

متشرعه ملهم از معصومین در امور حسبیه نظارت حسبه را تام و کامل میخواسته و اجرا میکرده اند.

سیره عقلا

سیره عقلا درقانون گذاری وارزیابی و گزینش ها بر نظارت استصوابی است که مورد ردع شارع نمی باشد یعنی توقعشان از ناظران امور نظارت تام است بویژه در گزینش های کلیدی که سعی در گزینش اصلح دارند برای تشخیص اصلح از سیستم های نظارتی دقیق و کامل و قاطع بهره می برند و نظارت های غیر موثر را مانند عدم نظارت قلمداد و تلقی مینمایند .

فقه الاجماع

اجماع مسلمین و مومنین بر لزوم و وجوب نظارت استصوابی است بویژه در تشریع و تعیین صلاحیت ها

فقه الاداره

نظارت استصوابی نوعی قضاوت است و وناظر نوعی قاضی است و قاضی واجد الشرائط مستقل است و با تکیه بر سیئات و ایمان و علم وتحقیقات به صدور رای میرسد و نظر نهایی را میدهد حسبه و ناظر بر تقنین و گزینش و احراز صلاحیت ها مامور و مکلف است فرایند نظارت خود را تمام کند و به نتیجه بر ساند ورای نهایی را صادر کند و البته نظارت استصوابی در امور مهمه مثل تعیین اصلح در هر رشته ای به نیابت از سوی مردم یا حکومت میتواند جمعی وشرایی باشد مثل مجلس خبرگان رهبری ، شورای نگهبان که در تعیین رهبری و کارگزاران اصلح و اعلم ،ناظر جمعی هستند ونظر نهایی وصواب را ابراز میکنند و نیز نظارت بر تشریع و تقنین نیز نظارتی استصوابی است یعنی دستگاه مقنن به تصویب قانون میرسد یعنی آن را صواب میداند واصولا اصطلاح تصویب و مصوبه در همین راستا است یعنی نظارت ها را استصوابی میشمرد

لذا اصل در نظارت بر افراد یا قوانین استصوابی است به طبع اولیه و اصل اولی مگر اینکه استثنایی حاصل شود مثلا ناظر مافوق مثل ولی فقیه به عنوان فصل الخطاب در صورت ضرورت و به گونه موقت و موردی وبا تشخیص مصلحت در جهت تکمیل فرآیند استصواب و نه نقض آن به عنوان حکم حکومتی رای بالاتری را صادر کند که در اینجا نقضی بر نظارت استصوابی صورت نگرفته بلکه شورای نگهبان مثلا به عنوان حسبه منصوب و مامور از سوی حاکم شرع است و در مقابل او مسئول است و نظارت را از سوی او انجام میدهد و مکلف است نظارت خود را تام و مستصوب انجام دهد و رای نهایی را علی القاعده به مرجعی دیگر وانگذارد و کا را تمام کند و در این راه اجتهاد نموده و در فرآیند فحص و یاس که لازمه اجتهاد موثر و معتبر است از کلیه مخصصات و قیود و مطلع شود و نظر دهد و به اطلاع مافوق بر ساند و اینکه حاکم یا امام مسلمین که مسئول نهایی این استصواب است هم نظری تکمیلی بدهد در همین فرآیند نظارت استصوابی ارزیابی میشود و در طول آن است نه در عرض آن و ناقض آن . کما اینکه دادگه های تجدید نظر نیز در همین راستا به عنوان مکمل قضاوت هستند یعنی قاضی رای خود را مستقلا صادر و وظیفه قضاوت اسستصوابی را به خوبی انجام داده است و کارش تمام است و تجدید نظر در مقام بالا تر که قانونی محسوب میشود تکمیل استصواب است . لذا نظارت های تکمیلی شرعی و قانونی در چهارچوب نظارت استصوابی تلقی و ارزیابی میشوند و ناقض آن نیستند .